



# اهمیت منابع انسانی

ما در همه سطوح به جای توجه به ارتقای کیفیت و تلاش در جهت کارآمدتر کردن برنامه آموزشی و ربط دادن آن با چیزی که شاگردان برای کسب مهارت به آن نیاز دارند، فقط به کمیت پرداخته است.

شاگردان در دوره‌های ابتدایی و متوسطه به جای آموختن روش زندگی صحیح و بهره‌گیری هرچه بیشتر از آموخته‌های خود در جهت بهبود کیفیت زندگی خود فقط به قبول شدن در کنکور و راه یافتن به دوره آموزش عالی می‌اندیشند. رسانه‌های ما مدام محصولات شبه آموزشی را تبلیغ می‌کنند که شاگردان با حفظ کردن آن‌ها می‌توانند در آزمون‌ها موفق شوند. نتیجه آن می‌شود که به‌رغم آماری که نشان از افزایش تولید علم در کشور دارد، هیچ‌گونه بازتابی از آن را در کیفیت محصولات و شرایط محیط زیست اطراف خود مشاهده نمی‌کنیم. مؤسسه‌های آموزش عالی در کشور رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. ولی آیا هرگز از خود پرسیده‌ایم که آیا این مؤسسات از هیئت‌های علمی و امکانات و تجهیزات متناسب با نام خود برخوردار هستند؟

کشور ما اکنون با خیل بیکارانی مواجه است که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در همه سطوح درصد بالایی از آن را تشکیل می‌دهند. این موضوع ارتباط نداشتن دانشگاه‌ها با اقتصاد کشور را نشان می‌دهد، زیرا بین آنچه دانشجویان در دانشگاه‌ها می‌آموزند و آنچه بازار کار به آن نیاز دارد رابطه سازمان یافته‌ای وجود ندارد. مهارت‌های دانشگاهی ما با نیازهای بازار کار مرتبط نیستند. سرفصل‌های آموزشی اغلب بر مبنای دیدگاه‌های قدیمی طراحی شده‌اند و نشانه‌ای از نیازهای جدید جامعه در آن‌ها دیده نمی‌شود و سرانجام کارآفرینی در نظام آموزشی ما لحاظ نشده است و هدف کلی آن تنها گرفتن مدرک حتی با توسل به دلالتان علم برای نوشتن پایان‌نامه و مقاله‌های لازم برای به‌دست آوردن آن است.

کارآمد ساختن نظام آموزشی در همه سطوح از ابتدایی گرفته تا متوسطه و عالی به بازنگری اساسی متکی بر مبنای علمی، نقد و تحلیل دقیق جهت رفع کاستی‌ها، و به‌کارگیری تازه‌ترین روش‌های علمی برای بهره‌گیری بهینه از منابع انسانی ارزشمند جامعه نیاز دارد.

توسعه اقتصادی مورد توجه همه کشورهای، و در حال حاضر اولویت اول دولت تدبیر و امید در کشور ماست. رسیدن به این هدف نیازمند تغییرات اساسی در رهیافت به الگوهای موردنظر است، چون بدون تحول اساسی در دیدگاه‌های رایج قادر به حل مسائلی نخواهیم بود که با روندهای فکری جاری خود به‌وجود آورده‌ایم. اگر شرایط کنونی خود را نه با کشورهای صنعتی پیشرفته بلکه با کشورهای مقایسه کنیم که در سال‌های نه‌چندان دور بسیار از ما عقب‌تر بودند شاید متوجه شویم که اشکال کارمان در کجاست.

برای پیشرفت اقتصادی، نهادهای مسئول این کار دو وظیفه اصلی به‌عهده دارند: نخست افزایش ثروت جامعه از راه تولید محصولات با ارزش افزوده بالا و دوم توزیع آن از طریق به‌کارگیری افراد، پرداخت مالیات به دولت و سود به سهامداران هم البته از پیامدهای آن است. بنابراین تولید ثروت شرط اصلی ایجاد رفاه و بالا رفتن سطح زندگی افراد جامعه است.

نکته مهمی که در این مورد باید مدنظر قرار گیرد توجه به اهمیت منابع انسانی در تولید، به‌جای منابع طبیعی، در اقتصادهای پیشرفته است. هرچه کشوری توسعه یافته‌تر باشد تأثیر منابع انسانی در اقتصاد آن بیشتر می‌شود. اگر نسبت تولید ناخالص ملی به جمعیت را معیاری از موضوع در نظر بگیریم مشاهده خواهیم کرد که این معیار برای کشورهای صنعتی پیشرفته کم و بیش یکسان است و به عوامل دیگر، مثلاً به مساحت کشور که می‌توان آن را شاخص منابع طبیعی در نظر گرفت، بستگی چندانی ندارد.

اما چه نهادی تأمین این منبع پراهمیت را برعهده دارد؟ بدون تردید نظام آموزشی کشور مسئول انجام این کار است و باید با به‌کارگیری مدیران توانمند، مربیان کارآزموده و دلسوز، امکانات و تجهیزات آموزشی و روزآمد کردن مداوم معلومات مربیان و استفاده از آخرین روش‌های موجود در این مورد وظیفه خود را به بهترین نحو انجام دهد. حال سؤال این است که ما چقدر این مسئله حیاتی کشور را جدی گرفته‌ایم؟ متأسفانه، در اغلب موارد به‌جای تحلیل و نقد جدی مشکلات آموزشی، اغلب سعی در پنهان کردن مسائل موجود داشته‌ایم و نظام آموزشی